

ایران یاران گرامی؛

نوشته بسیار پر اهمیت و گرانی را که در پیوست این قلمی های من خواهید دید یک برگ از تاریخ مبارزات میهن پرستانه است. حتما آنرا بخوانید.

ولی پیش از اینکه به هر تصمیمی برسید و پیش از اینکه نویسنده نوشتار تاریخی زیر که خود شخصی دانشمند، فرهیخته و آشنا به امور حقوقی و سیاسی است و سال ها در کنار بهترین خاندان سلطنتی زیسته است و موی خویش را در تداوم سلطنت و بقای ایران سفید کرده است به هر تصمیمی قاطع برسد، این سرباز کوچک اجازه می خواهد مطالبی را در پیشگاه آن خیل سربازان فرهیخته، و در کمال خضوع و میهن پرستی بیان کند.

این وظیفه همه ما است.

خود شکن آینه شکستن خطاست
که گوید بدان چاه در راه توست
هنر داند از جاهلی عیب خویش
هر آنچ از تو آید بچشمش نکوست
که داروی تلخش بود سودمند
شفا بایست داروی تلخ نوش

آینه چون نقش تو بنمود راست
به نزد من آنکس نکوخواه توست
هر آنکس که عیبش نگویند پیش
ز دشمن شنو سیرت خود که دوست
وبال است دادن به رنجور قند
چه خوش گفت آن مرد دارو فروش

من با نویسنده "سنگر" مدتی طولانی گفتگو کردم ایشان بسیار زنجیده و تکیده است علت را خودش در نوشته خویش شرح داده و به حق جانانه و از نظر حقوقی با ظرافت ویژه ای بیان داشته است.

ولی...

من از حضور ایشان استدعا کردم؛ و این درخواست را با شما هم در میان می گذارم و تقاضا دارم با نگارش های خود و حمایت های خودبه من یاری دهید تا نویسنده «سنگر» را از راهی که انتخاب کرده نه بخاطر "کسی" فقط به خاطر «ایران» منصرف کنیم. زیرا همانطور که در نهم مهرماه ۲۵۴۳ (۲۰۰۴) نوشتم:

« روز ها و ماه های آینده بسیار تاریخ ساز میباشد. بدنبال تغییرات در منطقه و اوضاع جهانی بزودی شر ملایان کنده خواهد شد.

آیا اجازه خواهیم داد تا باز هم کمونیست، توده ای و ملی مذهبی و ضد ملی ها با کمک مجاهد و عده ای که خود و میهنشان را فروخته اند به ادارات و به سازمان ها ریخته آنها را تصاحب کنند؟

ما وظیفه داریم در روز ها و ماه هائی که در پیش رو داریم با جدیت تمام برای ریختن برنامه های منظم و حساب شده و برای ممانعت از خروج یک اجنبی از در و ورود اجانب دیگر از پنجره پشتی پیش بینی های جدی و لازم را انجام دهیم.

....

تا کی می‌خواهیم نسبت بهم بیگانه بمانیم و با بیگانگان از یک کاسه آش بخوریم؟ شرم بر ما باد اگر نتوانیم نجات میهنمان را خودمان بدون کمک و یاری اجانب، انگلیسی، اروپایی آمریکایی، عرب تازی و یا فراماسونی بانجام برسانیم.

تنها راهی که میماند بر پا خیزی مردم است. مردم اگر برخیزند و راه خود را انتخاب کنند بطور یقین از سایر ارگان‌های داخل نیز به آنها یاری خواهد رسید آنوقت این حضرات که مثل مگس‌ان دور شیرینی کمین پول را میکشند با شکست کلی طرح توطئه ای که در نظر خودشان در خفا به انجام میرسانند مواجه خواهند شد.

چندی است در شهرهای ایران شورش و جنبش ضد آخوندی شروع شده و امروز آموزگاران ندای اعتصاب را ساز کرده اند و اگر این حرکت ادامه یابد بزودی مردم داخل ایران ابتکار عمل را در دست خواهند گرفت.

کسانی که در گذشته وابستگی خود را به بیگانه ثابت کرده اند، کسانی که در مقام‌های حساس کشوری بودند و در اثر همکاری آشکار و سکوت آنها پدیده ای بنام نهضت خمینی شکل گرفت، افرادی که با وجود داشتن شغل‌های حساس به کشور، مردم و شاه خیانت کردند تا دست نشانده‌گانی بنام ولایت فقیه در ایران بوجود آید همراه شده اند تا به سرابی که "ایران" نام دارد برسند.

اگر قرار است که "مردم" دوباره ببازد همین بهتر که این ملایان اجنبی بمانند و بخورند لااقل بخودمان نهیب دوباره نخواهیم زد و به مردمان دروغ دوباره نگفته ایم. چه اینانی که کمین گرفته اند با چراغ می آیند!!!!

زمانیکه صحبت از ایران پیش می آید هیچ اشتباهی قابل پذیرش نیست و هیچ زد و بند سیاسی هم قابل قبول نمی باشد. سکوت و حرکت‌های پنهانی و مودینه و دروغین از هر نوع که باشد بر ملا خواهد شد.

فردا اگر این بادمجان‌های دور قاب به قدرت برسند آنچه نخواهد ماند "ایران" است و آنچه بدست نخواهد آمد آزادی و دموکراسی است. حتی اگر پادشاهی پارلمانی برقرار شود و شاهزاده رضا پهلوی در آن شرکت داشته باشد، که احتمال آن بهیچوجه ضعیف نیست، در آن صورت این دسیسه بازان با تبدیل مقام پادشاهی به یک سمبل خواهند گذاشت که امور کشور بصورت دموکراسی و در سایه یک آزادی ملی اداره شود. این طرح توطئه ای است که بیگانگان در زمان قاجار و پس از نهضت مشروطه مورد بهره برداری قرار دادند و با انتخاب آدم‌های خود مجلس را در اختیار گرفتند و شاه و مردم را بازی دادند.

ای هم میهن بیدار شو، نگرانم که تو و من باز هم باید یکبار دیگر فریاد بکشیم.

از ماست که بر ماست.»

این را سه سال پیش نگاشتم و امروز باز فریاد می زنم و التماس می کنم، تکرار می کنم، ای کسانی که در خطوط مقدم هستید یکبار، فقط یکبار به **ایران** فکر کنید فقط به ایران فکر کنید نه به "اشخاصی" که می آیند و میروند.

در نگاه من ماندن در این روزگار دیگر نه صلاح است و نه زمان آن است که بخواهیم کسانی را مثل مدیر "سنگر" را از میان مبارزان از دست بدهیم ایشان در طول سالها با راهنمایی‌ها و نگارش‌های خود بسیاری از طرفداران ادامه سلطنت و تداوم مشروعیت سلطنت را تشویق کرده است یک تنه و با درایت در این راه رفته است. در سنی نیستند که ما چنین جسارتی به ایشان کرده باشیم که میدان را خالی کنند. میدانم که ایشان "ترک متارکه نمی کنند" بلکه باز هم از روی فریختگی و افتادگی و سنگینی سرشان به این راه توقف "سنگر" آنها پای پیاده می روند.

ما زیباترین سالهای زندگی مان را در منجلا ب غیر قابل تحمل و اصلاح امروز ایران از دست دادیم.

هرگز ناملایماتی این چنین حتا اگر "تشر ویا اشاره ای از سوی شاهزاده باشد" نیابستی ما را بخاطر "ایران" از میان بردارد. زیرا هرروزه فرزندان ما این چنین "تشر" هائی را بر ما روا میدارند و آنرا بجان می خریم...

یک لحظه به باغمان می کشند یک لحظه ما را به سوی چراغ می کشند. ولی باز هم در دل ما جا دارند.

هم میهمان گرامی مرا یاری دهید تا رای ادامه "سنگر" را از مدیرفرهیخته آن درخواست کنیم. شان و جای وزین این چنین نشریه سنگینی در میان ورق پاره هائی به اصطلاح "مطبوعات یا رسانه های گروهی" خالی خواهد بود این زمان آن هنگام نیست که "سنگر" را خالی کنیم همه در "سنگر" ها ی خود محکم بنشینید و ادامه راه "سنگر" را بخواهید.

ما در این برحه از زمان به یک نشریه چنین وزین نیاز مبرم داریم. ما امروز "حبیل المتین" و "صور اسرافیل" نداریم؛ ما امروز "هوپ هوپ نامه" نداریم ولی "سنگر" داریم این سنگر را از دست ندهید.

هر کس در هر مقام و هر قدر هم به کشور ما، به ایران صدمه بزنند و هر قدر هم مجاله و زیر پا لهش کند بازهم چون ما ایران را دوست داریم و چون به آن عشق می ورزیم هرگز از ارزش آن کاسته نمی شود، انسان ها در هر مقامی می آیند و میروند ما تا زنده ایم همواره در تلاش هستیم شر چرتومه های فساد را که گندابه به این سرزمین آورده اند را بکنیم، شایسته نیست "سنگر" ها را بر سر "سنگر" داران خراب کنیم.

یکبار دیگر مرا یاری دهید.

ح-ک

استفاده از تاریخ (هجری شمسی) به معنی پذیرش شکست و زبونی پس از حمله اعراب است...

(آسمان) ناهید شید ۳۰ آذر ۲۵۴۶ = ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷ ***** Monday, October 25, 2010 = 30 Azar 2546
۵۳۹ سال پیش از میلاد ۱۱۶۰ سال پیش از فرار خفت انگیز از مکه به مدینه. To Medina
escape from Mecca
این تاریخ از فروردین ۲۵۴۵ هرروز تازه خواهد شد... تا زمانی که هر ایرانی
This date effective Farvardin 2545 will be updated in every e-mail ...

[تاریخ ایرانی](#) [Pure Iranian calendar](#)

را جایگزین تاریخ ننگین عرب بکنند.. until such time that every Iranian uses it

روزهای هفته: کیوان شید، مهرشید، مهشید، بهرامشید، تیرشید، اورمزد شید، ناهید شید

در شاهنامه فردوسی ۷۲۰ بار نام « ایران » و ۳۵۰ بار نام « ایرانی » و « ایرانیان » آمده است

۱- اورمزد - ۲- وهمن - ۳- اردیبهشت - ۴- شهریور - ۵- سپندارمز - ۶- خرداد - ۷- امرداد - ۸- دی به آذر - ۹- آذر - ۱۰- آبان - ۱۱- خور (خبر) - ۱۲- ماه - ۱۳- تیر - ۱۴- گوش - ۱۵- دی به مهر - ۱۶- مهر - ۱۷- سروش - ۱۸- رشن - ۱۹- فروردین - ۲۰- ورهرام - ۲۱- رام - ۲۲- باد - ۲۳- دی به دین - ۲۴- دین - ۲۵- ارد - ۲۶- اشناد - ۲۷- آسمان - ۲۸- زامیاد - ۲۹- مانتره سیند - ۳۰- انارام

I am committed to raise public awareness.

سنگر

آذر ماه ۱۳۸۶

ایرانیار گرامی
آقای/ خانم

در لایحه ای که این سرباز مفتخر به تقدیم حضور اعلیحضرت گردید، مصلحت در توقف سنگر و عدم انتشار آن پیاده شده است.

امیدوارم حضرتعالی با ملاحظه لایحه تقدیمی حضور اعلیحضرت، اقتدای سنگر را به مصلحت توقف سنگر بپذیرید.

سنگر هرکاری که در حدش بوده و بضاعت علمی و دانش حقوقی و سیاسی او مجاز میداشته برای اعاده اعلیحضرت به سوگند وفاداری به تداوم سلطنت و استفاده از آن برای نجات کشور را با همت و حمایت بیدریغ شما انجام داده است ولی کوچکترین تاثیر در اعلیحضرت و سیاق عمل و کارشان نداشته است که هیچ، فاصله ایشان را با سلطنت و استفاده از آن برای نجات کشور بیشتر و عمیقتر ساخته است و این درست بر خلاف هدف و منظور انتشار سنگر است که در شماره ۴۶ مورخ ۲۵ مهرماه سال ۵۹ زیر عنوان "منشور ما" پیاده شده است.

امیدوارم شما، ایران یار گرامی با قبول تشکرات میهن پرستانه سنگر از حمایتی که از انتشار سنگر سال های سال فرموده اید از مصلحت اندیشی سنگر در راه حفظ اعتبار سلطنت استقبال بفرمائید

با احترام و آرزوی پیروزی - سنگر

سنگر

آذر ماه ۱۳۸۶

پیشگاه اعلیحضرت رضا شاه دوم:

با احترام و توقیر باستحضار اعلیحضرت رضا شاه دوم می‌رساند:

نا ملایمات سنگین و نگرانی‌های آزار دهنده از روندی که بر تداوم سلطنت و مشروعیت آن بوسیله اعلیحضرت می‌رود و بی‌اعتنایی عالیجاه به حقوق سلطنت و استفاده از آن در راه نجات ایران و توجه خاص اعلیحضرت به مواردی که ضدیت آشکار با سنت مشروطیت ایران آئین و منش ایرانی دارد و گرایش به نظریه‌های بی‌پایه و غیر قابل‌آشنا برای ملت ایران و تاریخ و درنهایت تبدیل مبارزه اساسی و منطقی به سرگرمی و اتلاف وقت سنگر را بطور قهری در مسیری قرار داد که لازم شد در راه دفاع از اعتقاد به حقانیت سلطنت و حفظ جایگاه قانونی اعلیحضرت به تحریرات و تفریراتی متوسل شود که فرهنگ ایرانی؛ اعتقاد قلبی این سرباز و سنت و ادب ایرانی به پادشاه آنرا ملامت بار توصیف کرده است.

اظهار علاقه اعلیحضرت به «تعیین موضع مشخص ایشان از سوی ایرانیان» و همچنین ایجاد تکلیف برای ایرانی مبتنی بر اینکه «ایشان را متقاعد سازند که راه صحیحی نمی‌روند و امثال آن سنگر را به صحنه بی‌پروائی در بیان صریح و تشریح موافق انتخابی اعلیحضرت در قالب اعتراضات و انتقادات نسبت به عملکرد اعلیحضرت تشویق کرد.

سنگر، دقیقاً خود را در گیر و افتاده در دو موقعیت خاص می‌یابد.

یکم - ادامه دفاع از حقانیت تداوم سلطنت و بازگشت اعلیحضرت به جایگاه مشروع و قانونی سوگند و استفاده از آن برای نجات کشور این روش که تاکنون ادامه داشته معارض با خواست و روندی است که اعلیحضرت از آن استقبال می‌فرمایند. این تعارض آشکار و دو دستاورد نا مطلوب برای سنگر بیادگار گذاشته است و می‌گذارد. نخست رنجش اعلیحضرت از انتشار سنگر و اتهام اینکه سنگر مانع همبستگی است و باطرح مسئله تداوم سلطنت و پیگیری آن مزاحم وحدت نیرو هاست. توصیه اعلیحضرت در سالهای قبل در مصاحبه با مطبوعات لس آنجلس مبنی بر اینکه "سنگر را نخوانید" شاهدی از رنجش اعلیحضرت و مزاحمت سنگر است.

دوم- که برای سنگر بسیار با اهمیت است، اعتراضات سنگر به شاه حالت مخالفت و دشمنی سنگر را با شاه و سلطنت بتصویر می‌آورد که فرهنگ پاور ایرانیان اصیل حکم آنرا به ثبت تاریخ داده است که سنگر بسیار نگران چنین رسوب تصویری است.

احترام به شاه در قاموس ایرانیان صدر است «چو فرمان یزدان چو فرمان شاه» جانی برای استیضاح و اعتراض و اتهام به شاه باز نگذاشته است. حتی امیر کبیر، خیرخواه بزرگ شاه و شاهنشاهی ایران که از مرز باور فرهنگی ما ایرانیان قدری گذشت به شاه وقت تذکراتی خیر خواهانه داد به دشمنی با شاه متهم گردید.

ادامه این مسیر سنگر با آنکه هیچ تاثیری در تحولات فکری و راه و روش اعلیحضرت نداشته و ندارد یک اثر بسیار سونی هم رسوب خواهد داشت و آن بدعتی است که سنگر در فرهنگ پادشاهی ایران پیاده کرده و سنگر باز گشای فصل اعتراض، استیضاح و حتا توجه اتهام به شاه معرفی میگردد و عمل سنگر که بهرحال متصدی آن یک حقوقدان حقوق سیاسی و وفا دار به سلطنت و تداوم آن بشمار می رود، نظریه استیضاح و اعتراض به شاه و سلطنت را مجاز دانسته است و لاجرم این امر نسخه ای خواهد شد که فلسفه سلطنت و عدم مسئولیت آن خدشه دار و جوازی گردد برای وفاداران به شاه و سلطنت که گهگاه آنرا مصرف و کم کم بصورت طیفی گسترده همراه با سوء استفاده بجریان افتد.

سنگر امیدوار است، این لایه اعتراضی که بالاخره در گوشه ای از تاریخ مبارزه سنگر ثبت خواهد شد، به توهمات و برداشت های نادرستی که از مقالات اعتراضی و انتقادی سنگر نسبت به اعلیحضرت در فرهنگ سیاسی سلطنت طلبان نشط کرده است، توضیحی عادلانه و قابل قبول باشد.

دوم- سکوت سنگر به آنچه که اعلیحضرت برخلاف قانون اساسی و سوگند سلطنت و تداوم مشروعیت سلطنت پای می فشارند که این مسیر بمناسبت تعهد و رابطه سنگر با عتقاد سیاسی اش و در مجموع وفاداری به سلطنت تضادی آشکار دارد و کاری است در خور مردم فرصت طلب که برای جریان روز ساز می نوازند و عقیده ندارم که برای کسب محبت و رفع رنجش یک یا چند هموطن بتوان ضابطه کهن تاریخی تداوم سلطنت را فدا ساخت.

راه انحصاری که اجبارا به سنگر تحمیل می گردد خروج سنگر از مبارزه رها ساختن تصدی سنگر و توقف آن می باشد.

اقتدا به این طریقه انحصاری و نا محمود بدان جهت مقبول شد که از دیدگاه علم حقوق، مسئولیت ها ناظر بر حد دخالت است. چنانکه عدم حضور در معرکه جرم و خیانت، رافع مسئولیت است و حضور در معرکه و اختیار سکوت، واجد نوعی مسئولیت، و حضور در معرکه و تشویق عمل جرم و حقانیت دادن و تائید و حمایت از عمل مجرمانه، حد اعلاى معاونت در جرم و اتهام محسوب است.

امیدوارم اعلیحضرت تصمیم این سرباز را که بهر حال میتواند رفع مزاحمت هائی هر چند اندک محسوب گردد، مغتنم و آنرا مجاز دانند.

موقع را مناسب دانسته برای اعلیحضرت سلامتی و توفیق در حراست از پایگاه سلطنت در تاریخ ایران و تداوم مشروعیت آنرا آرزو دارم.

با احترام و آرزوی پیروزی
سنگر